

عنوان:

تحلیل عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی: مطالعه موردی
شهرستان کرمانشاه

نویسنده گان:

زهرا اطهری، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی
امیر حسین علی بیگی، استادیار دانشگاه رازی و عضو مرکز پژوهشی مطالعات اقتصادی - اجتماعی دانشگاه رازی

نشانی مکاتبه:

کرمانشاه، بزرگراه امام خمینی، دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی

تلفن و دورنگار: ۰۸۳۱-۸۳۲۳۷۳۲

تلفن همراه: ۰۹۱۸۳۳۵۳۱۴۳

z.athari@gmail.com

baygi1@razi.ac.ir

چکیده

هدف کلی این تحقیق توصیفی-همبستگی، تحلیل عاملی تصورات کشاورزان شهرستان کرمانشاه از تعاونی بود. جامعه آماری این پژوهش کشاورزان روستاهای شهرستان کرمانشاه بودند ($N=24391$) که تعداد 350 نفر از آنان با روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند. برای سنجش پایایی و روایی ابزار تحقیق، به ترتیب از آلفای کرونباخ و پانل متخصصان استفاده شد. بر اساس یافته ها، کشاورزان تصورات نسبتاً خوبی از تعاونی دارند. نتایج تحلیل عاملی بیانگر چهار عامل: احساس مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی به عنوان مهم ترین عوامل شکل دهنده ی تصورات کشاورزان از تعاونی بود. با توجه به نتایج، مسؤلان بخش تعاون، بهتر از گذشته می توانند از تصورات نسبتاً خوب کشاورزان از تعاونی کمال استفاده را در جهت توسعه تعاون به عمل آورند و با برنامه ریزی مناسب، زمینه عضویت و مشارکت واقعی روستاییان را در شرکت های تعاونی پدید آورند.

واژگان کلیدی: تصورات، تعاونی، مسئولیت پذیری اجتماعی، ارتقای اقتصادی، کشاورز

مقدمه

فعالیت های تعاونی - گونه در جوامع روستایی ایران سابقه ای دیرینه دارد و از گذشته های دور تاکنون کشاورزان تمایلات مثبت خود را به همکاری، همیاری و مشارکت در بیشتر فعالیت های اقتصادی و اجتماعی نشان داده اند. بارزترین اشکال این گونه فعالیت ها را می توان در نسق بندی اراضی زراعی، گروه های هم آب، لایروبی نهرها و قنات، کشت، وجین، آبیاری، درو و برداشت و شیوه های جمعی گله داری مشاهده کرد که به صورت سنتی بین روستاییان به خصوص کشاورزان معمول بوده و به تناسب نیازهای جامعه روستایی و بافت اجتماعی، اقتصادی، آداب و سنن روستاییان به وجود آمده است (ساعدی، ۱۳۸۴). امروزه نیز تعاونی ها اهرمی مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و ابزاری برای گردآوری نیروها و منابع توسعه به شمار می آیند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین، با تشکل یافتن کشاورزان در قالب تعاونی ها، علاوه بر افزایش تولید و توزیع عادلانه منافع آن و بهبود شرایط و وضعیت اجتماعی کشاورزان، می توان به ایجاد زمینه مساعد برای مشارکت مؤثر کشاورزان در فرآیند توسعه و شرکت آن ها در امور مختلف اقتصادی و اجتماعی امیدوار بود (جلالی و کرمی، ۱۳۸۵).

بسترسازی برای شکل گیری تعاونی ها و برانگیختن احساس نیاز در روستاییان برای تشکیل تعاونی ها به عنوان نخستین و مهم ترین مرحله، در فرآیند تداوم حرکت های بعدی آن اهمیت بسیار دارد. از طرفی، اولین گام در جهت بسترسازی برای شکل گیری تعاونی ها در مناطق روستایی به منظور پیشرفت و توسعه کشاورزی و عمران روستایی، آگاهی از تصورات کشاورزان از تعاونی می باشد. در واقع، تنها شرط لازم برای مشارکت در تعاونی ها، وجود نیاز به همکاری برای رسیدن به اهداف معین نیست، بلکه تصورات و تمایلات افراد نسبت به تعاونی نیز از شرایط اساسی است (نوکوویک^۱، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر، هنجارها، ارزش ها، تصورات و باورهای تمایل به کارگروهی شرایط را به سمت کنش جمعی متقابل و مشارکت سوق می دهند (ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۷).

در مورد مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستاییان ایران دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی از محققان معتقدند که روستاییان ایران دارای روحیه تعاون و جمع گرایی هستند و در امور مختلف اقتصادی و اجتماعی با همدیگر همکاری و همیاری دارند. از سوی دیگر، برخی برخلاف گروه اول، معتقدند که روستاییان ایرانی تمایلی به مشارکت و کار جمعی ندارند و نظریه تکروی روستاییان ایرانی، را مطرح نموده اند. چنانچه خانم لمپتون معتقد است که «دهقانان در فن همکاری مانند مالکان و دیگر طبقات ایران نآزموده و بی تجربه اند و از این رو دلیلی در دست نیست که نشان دهد آنان در آینده نزدیک خواهند توانست امری از امور تعاونی را با کامیابی انجام دهند» (فرهادی، ۱۳۷۳). فرانسیسکو بنت نیز معتقد است که تعاون اقتصادی میان دهات ایران به طور کلی وجود ندارد و در گذشته هر روستا، از همسایگان خود جدا و با آنان در رقابت بوده است (غفاری، ۱۳۸۰). در حالی که، خسروی (۱۳۵۸) با نادرست خواندن روحیه فردگرایی در بین دهقانان ایرانی، معتقد است که وضع خاص زراعت در ایران و مشکل آب و نحوه استفاده از آن، کار در واحدهایی مانند بنه، حراثت و غیره را ایجاب کرده است و هیچ وقت روحیه فرد گرایی در بین روستاییان وجود نداشته، بلکه حس همکاری و تعاون در بین آن ها نیرومند بوده است (به نقل از ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۷). سلیم (۱۳۸۴) نیز معتقد است که روحیه همکاری در میان روستاییان کشور وجود دارد. به طوری که، آنان بسیاری از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود را با رغبت و همکاری یکدیگر انجام می دهند. بنابراین، انگیزه همکاری و مشارکت در امور مختلف اجتماعی و اقتصادی، بین مردم روستا در قالب فعالیت های تعاونی - گونه، به صورت فرهنگ تعاونی در این آب و خاک رشد و نمو پیدا کرده است.

¹ Novkovic

حاجی یخچالی و همکاران (۱۳۸۲) در خود مطالعه نشان دادند که اعضای شرکت های تعاونی دارای نگرش نسبتاً خوبی نسبت به تعاونی بوده اند. همچنین ارتباط جو و ساختار مبتنی بر مشارکت، حمایت اجتماعی و کارآمدی تعاونی با نگرش آنان معنادار بوده در حالی که تأثیر سن و سطح تحصیلات معنادار نبوده است.

نتایج مطالعه دیواکارا^۱ (۲۰۰۶) نشان داد که تأثیر ویژگی های فردی - اقتصادی بر تصورات کشاورزان از کار جمعی معنادار بوده است. به طوری که، افرادی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار بودند (از قبیل میزان زمین، دام های شیرده و درآمد خالص سالانه) تصورات نسبتاً خوبی از کار جمعی داشتند. اما تأثیر سن و سطح تحصیلات بر تصورات کشاورزان از کار جمعی معنادار نبوده است.

اونیوی^۲ و جونز^۳ (۲۰۰۳) و آندرمین (۲۰۰۰) در مطالعات خود نشان دادند که عضویت در گروه های اجتماعی و داشتن احساس تعلق و پیوستگی به گروه باعث می شود افراد تصورات خوبی از کار جمعی داشته باشند.

هنریچ و هنریچ (۲۰۰۶) و گین تیز^۴ و همکاران (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که همدلی و نوع دوستی و احساس کارآمدی اجتماعی و اقتصادی فعالیت های جمعی از مهم ترین عوامل شکل دهنده تصورات افراد از کار جمعی است. کلادرمینس و همکاران (۲۰۰۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که حس وحدت و همدلی و مسؤلیت پذیری اجتماعی باعث می شود کشاورزان تصورات مثبتی از تعاونی داشته باشند. همچنین کشاورزانی که در تعاونی ها عضو می شوند، از طریق تلاش های جمعی، بهتر می توانند به اهداف خویش برسند.

با توجه به مطالب مذکور، در این تحقیق عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان روستایی شهرستان کرمانشاه از تعاونی بررسی می شود و متغیرهای مرتبط با این مفهوم سازی مورد تحلیل قرار می گیرد تا بر اساس آن، برنامه ریزان و مسولان بخش تعاون و تصمیم گیران توسعه روستایی با واقعیات موجود آشنا تر گردند و تصورات و اذهان کشاورزان روستایی از تعاونی را به عنوان یکی از اقشار اصلی و تولید کننده جامعه روستایی مورد نظر قرار دهند.

هدف کلی این پژوهش، تعیین عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی بود. به این منظور پس از توصیف کشاورزان شرکت کننده در تحقیق، تصور آن ها از تعاونی از جهت بدیل و گوناگون مورد بررسی قرار گرفت و سپس با تحلیل عاملی ابعاد ناآشکارتشکیل دهنده این تصور آشکار و در اخر نوع، شدت و جهت ارتباط متغیرهای شناسایی شده در تحقیقات گذشته با تصور از تعاونی مشخص و روشن گردید.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش های کمی، از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ دستیابی به حقایق و داده پردازی از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق، کشاورزان سرپرست خانوار روستاهای شهرستان کرمانشاه بودند ($N=24391$) که تعداد ۳۵۰ نفر از آنان بر اساس جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱) با روش نمونه گیری چند مرحله ای و به تناسب تعداد آن ها در هریک از روستاهای منتخب، به صورت تصادفی انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده ها پرسشنامه ای سه قسمتی شامل نامه همراه، مقیاس سنجش تصورات از تعاونی و ویژگی های فردی و حرفه ای پاسخ گویان با بهره گیری از پیشینه تحقیق تدوین شد. به منظور اطمینان از روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه از نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه و صاحب نظران و کارشناسان تعاونی های کشاورزی و روستایی استان کرمانشاه استفاده شد و اصلاحات ضروری اعمال شد. جهت تعیین پایایی بخش دوم پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای این منظور تعداد ۳۰ نسخه از پرسشنامه توسط بخشی از جامعه آماری تحقیق، توزیع و تکمیل شد و

¹ Diwakara

² Onyeiwu

³ Jones

⁴ Gintis

پس از داده پردازی، ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۴ بدست آمد که بیانگر پایایی مناسب ابزار تحقیق می باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و به منظور تحلیل داده ها علاوه بر آمارهای توصیفی از تکنیک تحلیل عاملی، آزمون من ویت نی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

یافته ها

بر اساس یافته ها، اکثر کشاورزان مورد مطالعه از سطح تحصیلات نسبتاً پایینی برخوردار بودند. به طوری که، ۲۷/۴ درصد آن ها بی سواد و ۳۰/۸ درصد از آن ها تحصیلاتی در حد خواندن و نوشتن داشتند، تحصیلات ۱۷/۷ درصد در حد راهنمایی، ۱۵/۲ درصد در حد دیپلم و تنها ۸/۹ درصد بالاتر از دیپلم بود. میانگین سن و سابقه کار کشاورزی آن ها به ترتیب ۴۷ سال (انحراف معیار = ۶/۵۴) و ۲۳ سال (انحراف معیار = ۱۵/۴۴) بود. همچنین تعداد افراد خانواده اکثر آن ها ۵ نفر و درآمد سالیانه آنان کمتر از ۲ میلیون تومان بود. پاسخگویان به طور میانگین دارای ۴/۴۲ هکتار زمین زراعی آبی، ۳/۷۳ هکتار زمین زراعی دیم و ۲/۱۹ هکتار باغ بودند. همچنین اکثر پاسخگویان (حدود ۸۶ درصد) دارای زمین شخصی بودند. در مقابل ۱۰/۹ درصد کشاورزان مورد مطالعه، دارای زمین اجاره ای و تنها ۳/۴ درصد از پاسخگویان، نوع مالکیت زمین شان به صورت مشاع و تعاونی بود. بر اساس نتایج، ۶۷/۲ درصد کشاورزان مورد مطالعه حداقل در یک شرکت تعاونی عضو و به طور میانگین دارای ۱۳ سال سابقه عضویت در تعاونی ها (انحراف معیار = ۹/۴۳) بودند. انحراف معیار ۹/۴۳ نشان دهنده ی پراکندگی پاسخ های کشاورزان در این مورد است.

به منظور تعیین عوامل شکل دهنده ی تصورات کشاورزان از تعاونی، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. از آنجایی که آزمون بارلت در سطح ۱ درصد معنادار شد و KMO محاسبه شده برابر با ۰/۷۶ بود، مناسب بودن داده ها برای انجام این تحلیل تأیید گردید. به طور کلی چهار عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد. مقدار واریانس جمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۶۴/۱۷ می باشد که نشان می دهد که این چهار عامل ۶۴ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین می کنند. به منظور شناسایی و نام گذاری متغیرهای مربوط به هر عامل، چهار عامل استخراج شده با روش واریماکس چرخش داده شد که نتایج در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول (۱) عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی

عنوان	میانگین از ۵*	انحراف معیار	بار عاملی
احساس مسئولیت پذیری اجتماعی	۴/۰۷	۰/۶۴	-
اگر عضو یک تعاونی باشم، خود را در قبال وظایف و تعهدات تعاونی مسئول می دانم.	۴/۳۹	۰/۷۲	۰/۷۴
اگر عضو یک تعاونی باشم، به قوانین و مقررات آن احترام می گذارم.	۴/۳۰	۰/۹۹	۰/۷۳
اگر من عضو یک تعاونی باشم، حتماً با سایر اعضای تعاونی همکاری می کنم.	۴/۰۱	۱/۰۸	۰/۷۱
اگر من عضو یک تعاونی باشم، با هیأت مدیره همکاری می کنم.	۳/۹۸	۱/۱۸	۰/۶۶
اگر عضو یک تعاونی باشم، در مقابل اعمال خود در برابر دیگران (اعضا و کارکنان) پاسخگو خواهم بود.	۳/۹۳	۱/۱۰	۰/۶۳

۰/۶۱	۰/۹۵	۳/۸۰	اگر در یک تعاونی عضو باشیم، برخورد لازم می‌دانم که بر فعالیت‌های تعاونی نظارت داشته باشم.
-	۰/۵۱	۴/۰۲	همدلی و مشارکت
۰/۷۲	۰/۹۹	۴/۳۵	هنگام بروز گرفتاری یا بیماری برای اهالی روستا حاضرم به آن‌ها تا حد امکان کمک کنم.
۰/۶۹	۰/۷۸	۴/۳۴	فعالیت‌های جمعی نیازمند از خودگذشتگی و دارا بودن روحیه گروهی است که در حال حاضر در روستای ما وجود دارد.
۰/۶۸	۰/۸۹	۴/۳۰	فرهنگ مشارکت و کمک به دیگران در جوامع روستایی وجود دارد.
۰/۶۵	۰/۹۸	۴/۱۴	اگر در یک تعاونی عضو شوم، به منافع همه اعضا فکر می‌کنم.
۰/۶۳	۱/۳۸	۴/۰۸	من به عقیده و نظر سایر کشاورزان اهمیت می‌دهم.
۰/۶۲	۰/۹۵	۴/۰۷	من حاضرم تجربیات خود را در اختیار کشاورزان و سایر مردم روستا قرار بدهم.
۰/۶۱	۰/۸۲	۴/۰۵	خوبی شرکت‌ها تعاونی این است که کارها به صورت گروهی و جمعی انجام می‌شود.
۰/۵۹	۱/۱۰	۳/۷۵	اگر در روستا یکی از همسایگان با مشکل مالی مواجه شود، من در حد امکان به او کمک می‌کنم.
۰/۵۷	۱/۱۴	۳/۷۳	وجود اهداف مشترک گروهی در تعاونی‌ها باعث گسترش روحیه تعاون و همکاری می‌شود.
۰/۵۶	۱/۴۶	۳/۳۵	در بین کشاورزان روستای ما مشارکت و روحیه کار گروهی برای تشکیل یا توسعه تعاونی‌ها وجود دارد.
-	۰/۴۹	۳/۸۵	احساس تعلق و مالکیت
۰/۷۱	۰/۸۱	۴/۲۸	تعاونی‌ها پیوستگی و اتحاد بین کشاورزان را افزایش می‌دهند.
۰/۶۸	۰/۷۴	۴/۱۸	اگر من عضو یک تعاونی باشم، هنگام مواجه شدن تعاونی با مشکل مالی از آن حاضرم از آن حمایت کنم.
۰/۶۶	۱/۲۵	۳/۷۴	عضویت در تعاونی‌ها باعث اختلاط و دلخوری نخواهد شد.
۰/۶۳	۱/۳۹	۳/۲۱	در صورت تشکیل تعاونی جدیدی در روستا، من سریعاً عضو می‌شوم.
-	۰/۶۴	۳/۵۲	ارتقای اقتصادی
۰/۶۸	۱/۳۶	۳/۷۸	اگر سرمایه‌ای داشته و موقعیت آن فراهم گردد، حتماً اقدام به عضویت، تشکیل یا توسعه تعاونی‌ها خواهم کرد.
۰/۶۵	۰/۷۴	۳/۷۵	تشکیل یک تعاونی نیاز به سرمایه زیادی ندارد.
۰/۶۱	۰/۷۶	۳/۰۲	کشاورزان می‌توانند از طریق فعالیت‌های تعاونی در قالب تعاونی‌ها، زمینه افزایش درآمد خود را فراهم کنند.

*مقیاس: خیلی کم=۱ کم=۲ متوسط=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵

بر اساس جدول (۲) مهم ترین عامل شکل دهنده ی تصورات کشاورزان از تعاونی، احساس مسئولیت پذیری اجتماعی است با تبیین ۲۰/۲۳ درصد از کل واریانس تبیین شده و سپس همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی به ترتیب با تبیین ۱۸/۱۴، ۱۴/۱۰ و ۱۱/۷۰ درصد از کل واریانس تبیین شده، عوامل شکل دهنده تصورات از تعاونی می باشد.

جدول (۲) عامل های استخراج شده همراه با مقدار ویژه و واریانس پس از چرخش عامل ها

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
احساس مسئولیت پذیری اجتماعی	۱۱/۵۲	۲۰/۲۳	۲۰/۲۳
همدلی و مشارکت	۱۰/۳۴	۱۸/۱۴	۳۸/۳۷
احساس تعلق و مالکیت	۶/۶۲	۱۴/۱۰	۵۲/۴۷
ارتقای اقتصادی	۵/۴۷	۱۱/۷۰	۶۴/۱۷

بر اساس گویه های احساس مسئولیت پذیری اجتماعی، مسئولیت در قبال وظایف و تعهدات تعاونی، احترام به قوانین و مقررات تعاونی، همکاری با اعضای تعاونی و هیأت مدیره مهم ترین عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی می باشند. بنابراین، کشاورزان روستایی بر این باورند که اگر عضو تعاونی باشند باید در قبال اهداف تعاونی و نحوه تحقق آن ها، مسئول باشند. همچنین باید وظایف و تعهدات خود را مطابق با قوانین و مقررات تعاونی انجام دهند و بر فعالیت های تعاونی نیز نظارت اجتماعی داشته باشند. چرا که در تشکل های تعاونی، مدیریت، برنامه ریزی و نظارت بر جریان امور باید از سوی اعضا اعمال شود. به هر جهت، این داده ها و آماره ها تصورات کشاورزان از تعاونی بوده و از نوع مسایل ذهنی می باشد نه عینی.

در زمینه همدلی و مشارکت، کمک به اهالی روستا هنگام بروز گرفتاری یا بیماری، دارا بودن روحیه کار گروهی و از خود گذشتگی جمعی، وجود مشارکت و کمک به دیگران در جوامع روستایی عوامل مهم شکل دهنده تصورات از تعاونی بیان شده اند. حس همدلی و مشارکت تضمینی برای افزایش درک متقابل کشاورزان نسبت به همدیگر و تمایل و تعهد آن ها نسبت به تشکل های تعاونی - گونه می باشد. در واقع، حس مشارکت، نوع دوستی و احترام متقابل برای همه افراد فرصت مطرح شدن، بیان عقاید و تبادل اطلاعات و تجربیات را فراهم نموده و سرانجام احساس تشریک مساعی را در آنان ایجاد می نماید.

در زمینه ی احساس تعلق و مالکیت، گویه های «تعاونی ها پیوستگی و اتحاد بین کشاورزان را افزایش می دهند» و «در صورت عضویت در تعاونی ها، حاضریم هنگام مواجه شدن تعاونی با مشکل مالی از آن حمایت کنیم» مهم ترین عوامل شکل دهنده ی تصورات کشاورزان از تعاونی می باشند. در واقع، کشاورزان مورد مطالعه معتقدند که برای حفظ و نگهداری تشکل های تعاونی که خود بانی آن ها می باشند یا خواهند بود، حاضرند امکانات خویش را به کار گیرند.

بر اساس گویه های عامل ارتقای اقتصادی، کشاورزان مورد مطالعه معتقدند اگر سرمایه ای داشته باشند و موقعیت آن فراهم گردد، اقدام به عضویت، تشکیل یا توسعه تعاونی ها خواهند نمود. هم چنین اذعان دارند تشکیل یک تعاونی نیاز به سرمایه زیادی ندارد. این گویه ها در بعد اقتصادی، از عوامل اصلی شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی هستند. از آنجایی که شرکت های تعاونی «سرمایه» خود را از سوی اعضا تأمین می کنند، بدون سرمایه گذاری اعضا، سازمانی به نام شرکت تعاونی موجودیت نمی یابد و در نتیجه اقتصاد تعاونی شکوفا نخواهد شد. بدین ترتیب، چرخ های تعاونی ها از سوی اعضای تعاونی به حرکت در خواهد آمد. از سوی دیگر، هنگامی می توان از کشاورزان

روستایی انتظار داشت که به میل خود عضویت شرکت های تعاونی را بپذیرند و حاضر به سرمایه گذاری و همکاری متقابل شوند که فعالیت شرکت های تعاونی چنان تأثیر مطلوبی بر آن ها بگذارد که ضررهای احتمالی ناشی از قبول عضویت در تعاونی را جبران سازد.

بر اساس جدول (۱)، کشاورزان مورد مطالعه تصورات نسبتاً خوبی از تعاونی دارند. بنابراین، اذهان و باورهای کشاورزان مورد مطالعه، تا حدودی با تعاون و تعاونی ها مانوس و آشنا می باشد. از این رو، به منظور فراهم نمودن زمینه های مناسب برای عضویت و مشارکت واقعی آنان در تعاونی ها، لازم است که این گونه تصورات مثبت به سوی رفتار تعاونی سوق داده شود.

به منظور بررسی وجود یا عدم وجود اختلاف معنادار بین کشاورزان عضو و غیر عضو شرکت های تعاونی، در مورد تصورات از تعاونی از آزمون من ویت نی استفاده شد. دلیل استفاده از این آزمون نبود شرایط لازم برای انجام آزمون های پارامتری بود ($Z=0/98$ ، $Sig=0/29$). بر این اساس اختلاف معناداری بین این دو گروه مشاهده نشد.

به منظور بررسی ارتباط بین سطح تحصیلات کشاورزان و تصورات آن ها از تعاونی از ضریب همبستگی اسپیرمن (به علت رتبه ای بودن مقیاس گویه های تشکیل دهنده تصورات از تعاونی) استفاده شد ($Sig=0/34$ ، $r=0/05$). بنابراین، بین دو متغیر مذکور ارتباطی وجود ندارد و نمی توان گفت هر چه سطح تحصیلات کشاورزان بالاتر باشد، تصورات آن از تعاونی مثبت تر یا منفی تر است و برعکس.

بین سن کشاورزان و تصورات آن ها از تعاونی نیز رابطه معناداری مشاهده نشد ($r=0/08$ ، $Sig=0/21$) بر این اساس، افزایش یا کاهش سن کشاورزان تأثیری بر تصورات آن ها از تعاونی ندارد. در حالی که، ارتباط بین درآمد کشاورزان با تصورات آن ها از تعاونی معنادار و مثبت شد ($r=0/13$ ، $Sig=0/28$). بنابراین می توان گفت هر چه درآمد کشاورزان بالاتر باشد، تصورات آنان از تعاونی مثبت تر است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج، کشاورزان مورد مطالعه تصورات نسبتاً خوبی از تعاونی دارند. بنابراین، می توان از تصورات موجود در بین کشاورزان روستایی نسبت به تعاونی بهره گرفت و با برنامه ریزی مناسب، رفتار آن ها را به سوی سازگاری، همسویی و همسویی هر چه بیشتر با شرکت های تعاونی سوق داد به گونه ای که با علاقه و رغبت به شرکت ها تعاونی بپیوندند.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی بیانگر چهار عامل اصلی شکل دهنده ی تصورات کشاورزان از تعاونی می باشد. این عوامل به ترتیب اهمیت عبارتند از: احساس مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی. در واقع، کشاورزان مورد مطالعه معتقدند که اگر عضو تعاونی باشند وظایف و تعهدات خود را مطابق با قوانین و مقررات تعاونی انجام می دهند و حاضرند بر فعالیت های تعاونی نظارت اجتماعی داشته باشند. در زمینه حس همدلی و مشارکت، پاسخگویان معتقدند روحیه کارگروهی و از خود گذشتگی جمعی در آن ها وجود دارد، به عقاید سایر کشاورزان احترام می گذارند و حاضرند تجربیات خود را در اختیار همدیگر قرار بدهند. در زمینه احساس تعلق و مالکیت، کشاورزان حاضرند برای حفظ و نگهداری تشکل های تعاونی که خود بانی آن ها می باشند یا خواهند بود، امکانات خویش را به کار گیرند. بر اساس عامل ارتقای اقتصادی، کشاورزان مورد مطالعه معتقدند که اگر سرمایه ای داشته باشند و موقعیت آن فراهم گردد، اقدام به عضویت، تشکیل یا توسعه تعاونی ها خواهند نمود. همچنین اذعان دارند که در صورت فراهم بودن شرایط، حاضرند در شرکت های تعاونی «سرمایه گذاری» کنند و به عنوان اعضای تعاونی، چرخ های اقتصادی تعاونی ها را حرکت درآورند. همان گونه که قبلاً ذکر گردید این نتایج، عوامل شکل دهنده تصورات

کشاورزان از تعاونی بوده و از نوع مسایل ذهنی است. در واقع، تصورات کشاورزان از تعاونی می تواند یکی از عوامل تعیین کننده رفتار تعاونی باشد. از این رو، احساس مسئولیت پذیری اجتماعی، همدلی و مشارکت، احساس تعلق و مالکیت و ارتقای اقتصادی به عنوان عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی باید از حالت ذهنی به سوی عمل هدایت شوند تا در نهایت منجر به شکل گیری بخشی از رفتار تعاونی شوند.

در این تحقیق بین کشاورزان عضو و غیر عضو شرکت های تعاونی در مورد تصورات از تعاونی اختلاف معناداری مشاهده نشد. به عبارت دیگر، عضویت کشاورزان در تعاونی ها تأثیری بر تصورات کشاورزان از تعاونی ندارد. طاهرخانی و قرنی آرانی (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خود نشان دادند که تأثیر عضویت و سابقه عضویت روستاییان در تعاونی ها بر میزان گرایش آنان به عضویت و تشکیل تعاونی های روستایی معنادار نیست. تحلیل این نتایج، ممکن است این باشد که کشاورزان روستایی در شرکت های تعاونی مشارکت داشته اند اما این مشارکت اغلب گذرا و انفعالی و به منظور دریافت نهاده ها و تسهیلات بانکی بوده است. این در حالی است که کشاورزان روستایی به عنوان بهره برداران واقعی تعاونی های بخش کشاورزی، می توانند نقش بسیار مهمی در سرعت بخشیدن به توسعه اقتصاد تعاونی داشته باشند. چراکه تنها راه رسیدن به اهداف اصیل این نظام اقتصادی، مشارکت فعال و واقعی آنان در برنامه های مدون، مشخص و نظارت شده است. اما معمولاً با دخالت و کنترل شرکت های تعاونی توسط دولت، نقش قابل ملاحظه و چشم گیری که کشاورزان به عنوان اعضای تعاونی می توانند ایفا کنند، نادیده گرفته می شود.

یافته ها نشان داد که بین سن و سطح تحصیلات کشاورزان با تصورات آن ها از تعاونی رابطه معناداری وجود ندارد. حاجی یخچالی و همکاران (۱۳۸۲) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین سن و سطح تحصیلات اعضای تعاونی، با نگرش آنان نسبت به تعاونی ارتباط معناداری وجود ندارد. نتایج مطالعات دیواکارا (۲۰۰۶) نیز حاکی از آن است که تأثیر سن و سطح تحصیلات بر تصورات کشاورزان از کار جمعی معنادار نیست. بر این اساس، کشاورزان روستایی (اعم از پیر و جوان) از پایین ترین تا بالاترین سطح تحصیلات، دارای روحیه همکاری، همیاری و تعاون می باشند. در حالی که، نتایج مطالعات گاتچر و هرمن (۲۰۰۹)، بلمرا و همکاران (۲۰۰۸)، کارپنچر و همکاران (۲۰۰۴) و آناند (۲۰۰۳) نشان می دهد که ویژگی های فردی از قبیل سن و سطح تحصیلات از عوامل موثر بر تصورات افراد از کار جمعی است.

بر اساس یافته ها، بین درآمد کشاورزان با تصورات آن ها از تعاونی ارتباط معنادار و مثبتی حاکم است. بنابراین می توان گفت کشاورزانی که از درآمد بیشتری برخوردارند، تصورات مثبت تری از فرهنگ سرمایه گذاری مشترک دارند و حاضرند ریسک سرمایه گذاری مشترک را در تشکل های تعاونی بپذیرند. در حالی که، کشاورزان با سطح درآمد پایین، به دلیل نداشتن یا کمبود سرمایه و عدم ریسک پذیری، تمایل چندانی به سرمایه گذاری در شرکت های تعاونی ندارند. اسپایلمن و برنارد (۲۰۰۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که کشاورزان با سطح درآمد پایین نسبت به کشاورزانی که از درآمد متوسط و بالایی برخوردارند، گرایش چندانی به مشارکت و سرمایه گذاری در شرکت های تعاونی ندارند. دیواکارا (۲۰۰۶) نیز در مطالعه خود نشان داد که کشاورزانی که از سطح درآمد بالایی برخوردارند، تصورات بهتری از کار جمعی دارند.

بر اساس نتایج می توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

- براساس یافته ها، کشاورزان تصورات نسبتاً خوبی از تعاونی دارند. بنابراین، مسئولان بخش تعاون بهتر از گذشته می توانند تصورات مثبت کشاورزان را به سوی رفتار تعاونی سوق دهند و با برنامه ریزی مناسب برای این قشر

عظیم و مستعد جامعه روستایی که آمادگی بالقوه برای مشارکت در امور مختلف دارند، زمینه عضویت و مشارکت واقعی آن ها را در شرکت های تعاونی پدید آورند.

- از آنجایی که احساس مسئولیت پذیری اجتماعی مهم ترین عامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی است، بنابراین کشاورزان روستایی چه قبل و چه بعد از عضویت در تعاونی، باید بر نقش و مسئولیت های خود به عنوان یک عضو از تعاونی، تا حد تسلط، آگاهی یابند تا با درک صحیح وظایف و مسئولیت های حساس خویش، توانمندی خود را به بهترین نحو، در جریان فعالیت های تعاونی به کارگیرند. از این رو، آموزش کشاورزان روستایی (قبل از عضویت در تعاونی ها و بعد از آن) می تواند یکی از عوامل تسریع کننده توسعه تعاونی ها تلقی گردد و زمینه بهره گیری مناسب از سرمایه اجتماعی را در جوامع روستایی فراهم کند.

- بر اساس نتایج، یکی از عوامل شکل دهنده تصورات کشاورزان از تعاونی، عامل ارتقای اقتصادی می باشد که بیانگر تصورات کشاورزان از سرمایه گذاری مشترک در تشکل های تعاونی است. از طرفی، هنگامی می توان از کشاورزان روستایی انتظار داشت در تعاونی ها حاضر به سرمایه گذاری مشترک شوند و آمادگی و تمایل به مشارکت واقعی داشته باشند که اطمینان پیدا کنند فعالیت شرکت های تعاونی، سودمند است. از این رو، سازمان های تعاونی برای ترغیب کشاورزان به عضویت و مشارکت در تعاونی ها، باید در جهت تأمین سود منصفانه و حفظ منافع آنان تلاش کنند.

منابع

- ازکیا، م. و فیروز آبادی، ا. (۱۳۸۷). بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام های بهره برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره برداری دهقانی به تعاونی، نامه علوم اجتماعی، ۳۳، ۹۸-۷۷.
- جلالی، م. کرمی، ع. (۱۳۸۵). تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در تعاونی های مرتع داری استان کردستان، پژوهش و سازندگی، ۷۰، ۴۴-۳۵.
- حاجی یجچالی، ع.، هاشمی، ا. و عرب، م. (۱۳۸۲). بررسی نگرش اعضای شرکت های تعاونی نسبت به تعاونی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در تعاونی های شهر شیراز، گزارش طرح تحقیقاتی، وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان فارس.
- ساعدی، س. (۱۳۸۴). نقش و عملکرد تعاونی ها در برنامه های توسعه، مجموعه مقالات منتخب در اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه، دانشگاه یزد، ۴۹۸-۵۱۰.
- سلیم، غ. (۱۳۸۰). سیر تحول تعاونی در ایران و جهان، تهران: دانشگاه پیام نور.
- شعبانعلی فمی، ح.، چوپانیان، ش.، رحیم زاده، م.، و رسولی، ف. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه های موفقیت شرکت های تعاونی زنان در ایران، مطالعات زنان، ۴(۲)، ۸۹-۱۰۹.
- طاهر خانی، م. و قرنی آرنی، ب. (۱۳۸۲). مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به شرکت های تعاونی روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۶۵۵، ۲۲-۱.
- غفاری، غ. (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران: مطالعه موردی روستاهای شهر کاشان، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فرهادی، م. (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران (درآمدی به مردم شناسی و جامعه شناسی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Anand, P. B. (2003). From conflict to co-operation: Some design issues for local collective action institution in cities, *Journal of International Development*, 15, 213-243.
- Anderman, L. H. (2000). Classroom goal orientation, school belonging and social goals as predictors of students, positive and negative affect following the transition to middle school. *Journal of Research and Development in Education*, 32, 89-103.
- Bartlett, J.E., Kotrlik, J.W. & Higgins Ch.C. (2001). Organizational Research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1) 43-50.
- Bellmare, C., Kroger, S. & Van Soest, A. (2008). Measuring inequity aversion in a heterogeneous population using experimental decisions and subjective probabilities. *Economic Tricia*, 76, 815-839.
- Carpenter, J. P., Daniere, A.G. & Takahashi, L.M. (2004). Cooperation, trust and social capital in southeast asian urban slum's, *Journal of Economic Behavior and Organization*, 55(4), 510-533.
- Diwakara, H. (2006). Determinants of trust and cooperation: Case study of self-managed tubewell organizations in north gujarat, india, *International Journal of Rural Management*, 2(2), 167-18.
- Gachter, S. & Herrmann, B. (2009). Reciprocity, culture, and human cooperation: previous insights and a new cross-cultural experiment, *Cognitive Systems Research*, 18, 791-806.
- Gintis, H., Bowles, S., Boyd, R., & Feher, E. (2005). Moral Sentiments and Material Interests: Origins, Evidence, and Consequences. *The Foundation of Cooperation In Economic Life*, Cambridge, MA:MIT Press, 3-40.
- Henrich, J. & Henrich, N. (2006). Culture, Evolution The Puzzle of Human Cooperation, *Cognitive System Research*, 7, 220-245.
- Klandermans, B., Manuel Sabucedo., J, Maura, R. & Weerd, M. (2002). Identity Processes in Collective Action Participation: Farmers Identity Farmers Protest in the Netherlands and Spain, *Political Psychology*, 23(2).
- Novkovic, S. (2008). Define The Cooperative Difference, *Journal Of Socio-Economics*, 37, 2168-2177.
- Onyeiwu, S. & Jones, R. (2003). An institutionalism perception of cooperative behavior, *Journal of Socio-Economics*, 32, 233-248.
- Spielman, D. J. & Bernard, T. (2009). Reaching the rural poor through rural producer organization? *Food Policy*, 34, 60-69.

Analysis of factors associated with farmers' imagination of cooperative: Case of Kermanshah

Zahrahari, and A. H. Alibeigi

Abstract

The purpose of this descriptive-correlation study is to do factor analysis of farmers' imaginations of cooperatives in Kermanshah province. The statistical population of this study consisted of farmers of rural communities in Kermanshah (N=24391). A sample of 350 farmers was selected by multistage sampling method. Validity and reliability of research instrument was determined through a panel of experts and Cronbach's alpha, respectively. Findings show that farmers have positive images of cooperative. The main factors included in such reflection on cooperatives were; social responsibility, participation, ownership feeling and financial promotion. It is concluded that the positive images of people of cooperative must be taken into account by managers in cooperative sector to develop and improve true membership and participation in cooperatives.

Key words: Images, Cooperative, Social responsibility, Financial promotion, Farmers.